

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ورا ژردیوا (Vera Zherdeva)
آندری مارچوکوف (Andrey Marchukov)
ولادیمیر باتیوک (Vladimir Batyuk)
برگردان: ا. م. شیری
۲۰ می ۲۰۲۳

عملیات ویژه نظامی برای احیای هارمونی جهانی نابود شده توسط امریکا



«کشورهای بیشتری با گرایش به سوی بریکس، سعی می‌کنند از دیکتاتوری امریکا رها شوند».

عملیات ویژه نظامی برای احیای هارمونی جهانی که امریکا به طرز احمقانه نابود کرده است، ضروری بود.

آیا هنری کیسینجر، سیاستمدار مشهور امریکائی و ضد شوروی با تجربه تصور می‌کرد تا زمانی زنده بماند که کارشناسان روس وی را به دلیل این واقعیت که او بر اساس وضعیت واقعی عمل کرد و از دنیای رؤیایا دوری جست، سرشناس و عاقل خطاب کنند؟

اندرو کوریبکو، دانشمند علوم سیاسی امریکائی، مقاله‌ای برای گلوبال تایمز چین نوشت و در آن استدلال می‌کند که روسیه، با انجام عملیات ویژه نظامی، برای اصلاح «ناهنجاری تاریخی» که پس از انحلال اتحاد جماهیر شوروی به وجود آمد، تلاش می‌کند. او متذکر می‌شود که ایالات متحده با استفاده از این موقعیت، سعی کرد سلطه خود را در جهان تثبیت نموده، آن را تک قطبی نماید.

در مقاله گفته شده است: «امریکا مدت‌هاست که با کشورهای در حال توسعه به طرق مختلف، از جمله به روش جنگ اطلاعاتی، مداخله سیاسی و اعطای وام‌هایی که در ازای آن‌ها کشورها مجبور به قبول تعهدات زیادی می‌شوند، بدرفتاری کرده و از آن‌ها سوء استفاده می‌کند. بسیاری از آن‌ها بشدت از ایالات متحده رنجیده‌اند و دیدند که امریکائی‌ها

چه رفتار وحشتناکی با وطن‌شان دارند. رهبران این کشورها سعی کردند هر بار که چنین فرصتی برای آن‌ها فراهم آمد، احساس نارضایتی خود را در جهت تقویت استقلال ستراتیژیک کشورهای خود هدایت کنند». و تأکید شده است که آن‌ها عملیات ویژه نظامی در اوکراین را برای نشان دادن نارضایتی خود از سیاست امریکا بهانه قرار داده‌اند.

نقش اصلی را در اینجا البته، سنگین وزن‌هایی مانند هند و به ویژه چین بر عهده گرفتند. روشن است که سرمایه‌گذاری آن‌ها در طرح یک کمربند، یک جاده به توسعه تعدادی از کشورهای جنوب جهانی کمک کرد. و هرچه اقتصاد قدرتمندتر باشد، وزن سیاسی نیز بیشتر خواهد بود. و اکنون کشورهای گروه بریکس شامل برازیل، چین، هند و روسیه و افریقای جنوبی، اصلاح جهان را آغاز کرده‌اند.

اما، این واقعیت که این مقاله در یک نشریه چینی منتشر شده است، تعجب آور نیست. چین به دلیل خردورزی و دوراندیشی مورد ستایش قرار می‌گیرد، اما ایالات متحده به خاطر طمع، خودخواهی و تلاش برای تحمیل سبک زندگی امریکائی در همه جا و به همه مورد سرزنش قرار می‌گیرد. شایان ذکر است که نویسنده مقاله یک دانشمند علوم سیاسی امریکائی است. آیا این بدان معناست که امریکا کم کم می‌بیند و می‌فهمد که اصل «من می‌توانم، به هر کجا بخواهم بروم، می‌روم»، در سیاست خارجی دیگر مناسب نیست؟ **ولادیمیر باتیوک امریکائی، رئیس مرکز امنیت آتلانتیک شمالی توصیه می‌کند** که برای نتیجه‌گیری عجله نکنید:

— امریکا کشور بسیار بزرگی است. افراد مختلفی در آنجا زندگی می‌کنند. کسانی هستند که واقعیت را می‌بینند و می‌فهمند که جهان چند مرکزی است و نیروهای مختلفی در آن‌ها فعالیت می‌کنند و متوجه می‌شود که یکی از این‌ها برای همه شناخته شده است؛ او هنری کیسینجر است. باید به آن توجه کرد. ما بزودی صدمین سالگرد این مرد میرز را جشن خواهیم گرفت. دانشمندان علوم سیاسی دیگری هم هستند که بیشتر آن‌ها به مکتب رئالیسم سیاسی تعلق دارند. اما واقع‌گرا بودن در امریکای مدرن خیلی خوب نیست. در میان تشکیلات سیاسی، در دولت به اصطلاح سایه، عقاید کاملاً متفاوتی وجود دارد.

مطبوعات آزاد یعنی نباید روی این موضوع حساب کرد که عقل سلیم در سیاست خارجی امریکا غالب خواهد شد؟

— دقیقاً. افراد زیادی علاقه‌مند به ادامه بی‌خردی هستند. آن‌ها از این راه پول زیادی به دست می‌آورند.

مطبوعات آزاد: اگر در واقعیتی موازی باشند، چگونه با آن‌ها تعامل کنیم؟

— این سؤال دشواری است. اکنون همه رهبران کشورهای آنی که نمی‌خواهند از غرب پیروی کنند، یعنی کشورهایمانند روسیه، چین، برازیل، افریقای جنوبی یا هر کشور دیگر که می‌تواند سیاست خارجی مستقل در پیش بگیرد، با آن مواجه است.

مطبوعات آزاد: آیا واقعاً کشورهای بیشتری به دنبال خروج از زیر نفوذ غرب هستند؟ یا فقط کشورهای بریکس قادر به انجام این کار هستند؟

ولادیمیر باتیوک: در میان چین کشورهایمانند هند و اکنون کشورهای پیشرو منطقه‌ای زیادی مانند ترکیه و عربستان سعودی وجود دارند. در واقع، اساساً این موضوع یک انتخاب ایدئولوژیک نیست، بلکه موضوع رفاه جمعیت این کشورها است که یا باید سیاست خارجی مستقل در پیش بگیرند و یا با یک سوت و اشنگتن، اقتصاد خود را با انواع تحریم‌ها تخریب

نموده، روابط اقتصادی سودآور خود را قطع کنند. و بسیاری از کشورها نیز حتی نمی‌دانند که چرا باید این کار را بکنند.

و این در واقع همان چیزی است که دانشمند علوم سیاسی امریکائی در مقاله خود در باره آن می‌نویسد: «صعود اقتصادی غرب کاملاً ناشی از استثمار جنوب جهانی و ناعادلانه است. زیرا، ایالات متحده قوانین بین‌المللی را خودسرانه نقض می‌کند. در همین حال، بلوک بریکس از قدرت اقتصادی خود برای تسریع اصلاحات با هدف دموکراتیک، برابر و عادلانه‌تر کردن روابط بین‌المللی استفاده می‌کند».

اما آنچه او نادیده می‌گیرد این است که هژمونی ایالات متحده به هیچ‌وجه یک ناهنجاری تاریخی نیست. **آندری مارچوکوف، مؤرخ و روزنامه‌نگار**، چندین نمونه از تاریخ جهان را که یکی از امپراتوری‌ها از کشورهای همسایه قدرتمندتر شد و اراده خود را بر آن‌ها تحمیل کرد، یادآوری می‌کند. روم باستان، امپراتوری بیزانس، امپراتوری شارلمانی یا کارولینگ، امپراتوری بریتانیا از این جمله‌اند. اگر جنوب را بگیریم، این امپراتوری عثمانی بود که زمانی تمام اروپا در مقابل آن به خود می‌لرزید. همیشه یکی قدرتمندترین و تأثیرگذارترین بوده و بدون کوچکترین تردیدی از قدرت خود استفاده کرده است، به جز روسیه. یک زمانی در تاریخ کشور ما را «ژاندارم اروپا» می‌نامیدند. اما این تعریف توسط بدخواهان آشکار ما رایج شد.

- در واقع، ابتداء الکساندر اول، و سپس نیکولای اول، آنچه را که ما اکنون «نظام امنیت جمعی» می‌نامیم، در اروپا ساختند، که بر ارزش‌های محافظه‌کار راست مبتنی بود و با روندهای انقلابی، به‌ویژه در اروپای غربی مقابله کرد. روسیه سعی کرد آن‌ها را در آنجا متوقف کند تا به قلمرو خود گسترش نیابند. این اتحاد مبتنی بر تعامل و درک متقابل امپراتورهای روسیه، پروس و اتریش-هنگری بود. در این دوره هیچ صحبتی از هژمونی روسیه نبود. علاوه بر این، امپراتوران ما برای اعمال هژمونی تلاش نکردند. **پس از انقلاب این ایده مطرح شد که تجربه انقلاب سوسیالیستی را ترویج کنند تا تمام جهان سوسیالیستی بشود و در اوایل دهه ۲۰ قرن گذشته نیز قابلیت حیات خود را نشان داد.**

این مؤرخ همچنین یادآور شد که پس از جنگ جهانی دوم، زمانی که اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده رو در روی یکدیگر قرار گرفتند، جهان دو قطبی شد، البته، هر یک با متحدان خود. و انگلیس به سایه رفت، مستعمرات خود را از دست داد و به نظر می‌رسید قدرت آن مستحیل شده است. اما این فقط یک توهم بود. مجمع‌الجزایر مه‌آلود نفوذ مالی خود را در جهان حفظ کرد. اما این دقیقاً همان فلز نفرت‌انگیز است که باعث می‌شود چرخ آسیاب سیاست‌های بزرگ بچرخد.

- آری، اکنون می‌بینیم که این بریتانیای کبیر است که به پیشران مبارزه با جهان چندقطبی تبدیل شده است. **محافل مالی و سیاسی آن به جهان تک قطبی مبتنی بر پتانسیل مالی بریتانیا و قدرت نظامی امریکا علاقه مند هستند.** و آن را اکنون در اوکراین به وضوح می‌بینیم. روسیه مدافع این است که همه کشورها در دفاع از منافع خود از حقوق برابر برخوردار باشند. آندری مارچوکوف معتقد است که ایالات متحده و انگلیس می‌خواهند همه کشورها را به زیر سلطه خود درآورند و کل اروپا را تابع منافع خود سازند.

برگرفته از: [تارنمای مطبوعات آزاد](#)

۲۹ اردیبهشت-ثور ۱۴۰۲